



نشر رایید

اتاق شخصیت

www.ketab.ir

سرشناسه: ویناور؛ میشل: ۱۹۲۷ م. (Vinaver: Michel)

عنوان و نام پدیدآور: همسایه‌ها: کمدی در سه پرده / میشل ویناور؛ مترجم زیبا خادم‌حقیقت
یادداشت: این کتاب جلد پنجم از مجموعه *Théâtre complet* با عنوان *L'ordinaire; Les voisins* است
یادداشت: این کتاب را در سال‌های مختلف مترجمان و ناشران متفاوت ترجمه و منتشر کرده‌اند.
موضوع: نمایشنامه فرانسه، قرن ۲۰ م.

French drama -- 20th century

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

شناسه داده: خادم‌حقیقت، زیبا، ۱۳۴۹، مترجم

رده‌بندی شکره: PC۲۶۲۷

رده‌بندی دیویی: ۱۴

شماره کتابشناسی مترجم: ۹۳۴۷۱-۸-۸

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۳۴۷۱-۸-۸

مشخصات ظاهری: ۱۱۲ ص، ۱۲/۵×۲۰ م

مشخصات نشر: تهران: رایبد، ۱۴۰۲.

www.ketab.ir

همسایه‌ها

اتاق شخصیت

نویسنده: میشل ویناور

مترجم: زیبا خادم‌حقیقت

ویراستار: فرشیده اسدی

صفحه‌آرا: استودیو رایبد

مدیر هنری و طراح جلد: محمدرسول شکرانی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: فارابی

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۳۴۷۱-۸-۸

چاپ اول: بهار ۱۴۰۲

شمارگان: ۱۰۰۰

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان منیری جاوید

کوچه شهرزاد، پلاک ۴. تلفن: ۰۲۱۶۶۳۴۵۰۶۴

www.raybodpub.com

info@raybodpub.com

@ raybodpub

فهرست

- ۹ مقدمه و ترجم
- ۱۹ پرده نخست
- ۴۱ پرده دوم
- ۸۵ پرده سوم

www.ketab.ir

مقدمه مترجم

اولین مکان تئاتر، کاغذ سفیدیست که نمایشنامه‌نویس روی آن و از بالا تا پایین، گفت‌وگوها را می‌نگارد... و نمایشنامه زمانی به پایان می‌رسد که چاپ شده باشد... به این ترتیب، برای موجودیت خود به کارگردانی نیاز ندارد و فقط کافیست که خوانده شود...!

میشل ویناور^۲، با نام اصلی گرینبرگ^۳، به سال ۱۹۲۲ در پاریس و در خانواده‌ای کلیمی-روسی زاده می‌شود. در سال ۱۹۴۱ و پس از به‌شروعی نیروهای نازی در کل اروپا، با خانواده‌اش فرانسه را به قصد امریکا ترک می‌کند و تحصیلش را در این کشور در رشته هنر به پایان می‌برد. او در سال ۱۹۴۷ به فرانسه بازمی‌گردد و ابتدا ترجمه متن‌های ادبی و شعر و سپس، رمان‌نویسی را تجربه می‌کند؛ اما در نهایت و با توجه به پیشینه خانوادگی‌اش — پدری عتیقه‌فروش و مادری وکیل — در سال ۱۹۵۳، در مقام کارآموز امور مشاوره حقوقی به شرکت ژیلت وارد می‌شود. او در سال ۱۹۶۶، به سمت مدیرعاملی شاخه فرانسوی این شرکت می‌رسد و تا سال ۱۹۸۲ در آن منصب کار می‌کند. او در تمام این سال‌ها به نوشتن ادامه می‌دهد؛ اما این بار فقط و فقط برای

1. Michel Vinaver, *Aujourd'hui*, N 8, Mai 2000, p 144.

2. Michel Vinaver.

3. Michel Grinberg.

تئاتر و در شکل نمایشنامه. امروز، او با بیش از شصت سال تجربه، یکی از مطرح‌ترین نمایشنامه‌نویسان تئاتر معاصر فرانسه به شمار می‌رود و آثارش را بزرگ‌ترین کارگردانان اجرا کرده‌اند؛ افرادی چون ویتز^۱، پلانشن^۲، فرانسون^۳ و لسل^۴ و... نکته مهم‌تر این است که او و نمایشنامه‌نویسان انگشت‌شماری در زمان حیات خود، نمایش آثارشان را در کم‌دی فرانسز^۵ دیده‌اند.

وقتی او نمایشنامه‌نویسی را آغاز کرد، فضای حاکم بر تئاتر فرانسه به شدت از تئاتر ابزورد متأثر بود؛ افرادی چون بکت، یونسکو و آدامف. هم‌چنین این فضا به همان اندازه از تئاتر ایدئولوژیک و سیاسی تأثیر پذیرفته بود؛ یعنی از افرادی مانند برشت، سارتر و کامو. ولی ویناور خود را در هیچ‌یک از این دو جریان نمی‌یابد؛ چراکه برای انعکاس زمانه خود در جست‌وجوی زبانی تازه در قالب فرم‌های نوین است. او در دهه هفتاد و در کنار نمایشنامه‌نویسان دیگر — چون میشل فویج^۶ و ژان-پل ونزل^۷ — آثاری را می‌نگارد که با عنوان «تئاتر زندگی روزمره» شناخته می‌شوند. او به تدریج از این گروه نیز فاصله می‌گیرد و در نهایت به نوعی نوشتار می‌رسد که مختص خود اوست. همه چیز برای او از کلام و کار روی زبان آغاز می‌شود:

حرکت من از کلام است؛ هر کلامی... کلامی به شکل افراطی، معمولی یا کلامی به شکل افراطی، خاص. نقطه حرکت من، همواره، پیش‌پافتادگی در آشفتگی است و نمی‌تواند غیر از این چیز دیگری باشد.^۸

شیوه او برای دگرگونی این پیش‌پافتادگی، کلاژ و مونتاژ این کلام است تا سادگی‌اش را به پیچیدگی هولناک و مضطرب‌کننده تبدیل کند و فرم

1. Vitez.

2. Planchon.

3. Françon.

4. Lassalle.

5. Comedie Française.

6. Michel Deutsch.

7. Jean-Paul Wenzel.

8. Vinaver, Michel: *Écrits sur le theater* 2, 1982, p 124.

«چندصدایی»^۱ را جانشین دیالوگ‌نویسی مرسوم کند. به این ترتیب، او صحنه‌های ساده زندگی و لحظه‌های پیش‌پاافتاده را با تکنیکی شاعرانه عجیب می‌کند که هم‌راستا با تئوری‌های باختین^۲ درباره نقد ادبی زمان و مکالمه‌گرایی و چندصدایی قرار می‌گیرد. چنین است که کلام دیگر صرفاً ابزاری در راستای پیش‌بردن عمل نمایشی نیست و خود به یک عمل نمایشی تبدیل می‌شود. این رویارویی صدای درونی فرد (شخصیت) با صداهای بیرونی (دیگران) است و با آن، مبارزه و فرسایش مداوم فرد با درون خود و دنیای بیرون، نمایش داده می‌شود. نباید فراموش کرد که این «چندصدایی» خصوصیت «بینامتنی» آثار ویناور را نیز در بر می‌گیرد؛ نوعی ارتباط میان خالق اثر که خود به نوعی مخاطب آثار دیگر تلقی می‌شود.

می‌توان گفت که نوع نوشتار ویناور در برخورد اول برای مخاطب بسیار غریب جلوه می‌کند چرا که گذشته از مونتاز دیالوگ‌ها، او خیلی زود نقطه‌گذاری میان عبارت‌های معنی و توضیح‌های صحنه را از متن‌های خود حذف می‌کند و این مسئله، آثار او را غریب‌تر می‌کند. برای او، متن و ریتم کلام و ضرباهنگ هر صحنه در درجه اول اهمیت قرار دارد و از این رو، چگونگی به‌صحنه‌برگرداندن آثارش، دغدغه به‌شمار نمی‌رود؛ چون این وظیفه کارگردانان است که بفهمند چه‌طور دنیای ذهنی و کلام او را به عینیت بدل کنند. او در عوض برای خواندن آثارش اهمیت ویژه‌ای قائل است. به همین جهت، پس از اولین نمایشنامه‌های خود، نقطه‌گذاری را از متن‌هایش حذف می‌کند تا مخاطب — چه خواننده متن و چه بازیگر نمایش — خود را به رعایت مکت‌های از پیش تعیین‌شده با ویرگول و نقطه‌های مرسوم در متن مقید نبیند، عادت وابستگی به ریتم اجباری نمایشنامه‌نویس را ترک کند و آزادانه و با ادراک و احساس خود با متن برخورد کند و نوع بازی و تنفس خود را با مکت‌های کوتاه و بلند در خوانش یا اجرا شکل دهد.

1. Polyphonie.

2. Mikhail Bakhtin.